



آبان ماه ۱۴۰۰

برای
شما که
جدید / قدیم
به جمع ما
پیوستید.

در این شماره می خوانیم:

مسیر دانشجویی

استاد میفرمایند

Adobe Connect

دانشگاه تهرانی که در قم است...



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرستane

- از سردبیر بشنویم | ۲
- مسیر دانشجویی | ۳
- دانشگاه تهرانی که در قم است... | ۵
- دانشگاه من | ۶
- نقشه گنج | ۷
- استاد میفرمایند | ۸
- Adobe Connect | ۱۰
- پند پهلوی | ۱۲
- دردسرجات | ۱۳
- شکلات؟! شکلات؟! | ۱۴
- دانشجوئیات | ۱۶
- از من بپرس | ۱۷
- رسم همسایگی | ۱۸

صادر کننده مجوز: دانشگاه تهران

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی

مدیر مسئول: ساجده قدرتی

سردبیر: زهرا میرزابابایی

هیئت تحریریه: نسترن شیخ زاده، زهرا علی یاری، ریحانه سادات خرم

صفحه آرا: زینب شوندی

همکاران: هانیه حسینی لقب، زهرا رضایی، زینب شفیعی، زهرا قاسمی

زمینه انتشار ماهنامه: فرهنگی- اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، ادبی، هنری، ورزشی)

تاریخ انتشار: ۷ آبان ۱۴۰۰

شماره سیزدهم

راه ارتباطی: سایت نشریه فرساد به آدرس <http://farsadsj.ut.ac.ir>



از سردیر بشنویم

شاید در روزگاری زندگی می‌کنیم که کلام سخت و پیچیده، نشان از علمیت و جذابیت کار بدهد، اما ما می‌خواهیم صمیمی حرف بزنیم
که از قدیم گفته‌اند: «هر سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند»
و سروکار ما با قلب‌های شماست!
سختش را همه گفته‌اند بگذارید ما راحتش را بگوییم،
دانشگاه نه آنقدرها سنگین است که نتوان زیربارش تکان خورد و نه آنقدرها سبک که
تکان تکان خورد!
درس بخوانید، تحقیق کنید، تفریح کنید، زندگی را آمیخته به ورزش و هنر کنید و بیایید از
همه‌ی اینها کنار هم قلم بزنیم!
اسب تیزپای جوانی را خوب سواری بگیرید که:
(وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى)
و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره‌ای نیست. نجم (۳۹)]

علی یاورتان
زهره میرزابابایی
آبان‌ماه سال ۱۴۰۰ شمسی





مسیر دانشجویی

توصیه های رهبری در دیدار با دانشجویان

| هیئت تحریریه |

جوان دانشجو، راه حل مشکلات کشور است نه مشکل کشور.

جوانی، پدیده ای درخشان و فصلی بی بدیل و بی نظیر در زندگی هر انسانی است. جوان، نوک پیکان حرکت عظیم ملت است که باید راه را برای آینده سرزمین باز کند.

نسل جوان دانشجوی امروز تصمیم دارد دیگر تحقیر نشود، دنباله روی قدرت های بیگانه و دشمن نگردد، از اصلاح و پیشرفت دلسرد و مایوس نشود؛ چرا که یاس بزرگترین آفت جوانی است و موتور قطار پیشرفت را از حرکت باز می دارد. طبیعت جوان سرشار از امید، ابتکار، صراحت، خطرپذیری و خستگی ناپذیری است. این عناصر ذی قیمت برای اداره جامعه ضروری است و باید مورد توجه قرار گیرد.

جوان دانشجو این عزم و همت را دارد که وارد میدان شود، گره گشای دوره های سخت و محنت های بزرگ باشد و ایران عزیز را به اوج عزت و افتخار برساند. قدر خود را بدانید و با قوّت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

جبران عقب ماندگی و رسیدن به درجه مرجعیت علمی در جهان، هدف والای دانشجو است.

اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان- به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حسّاس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه‌وهمه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است اما این راه طی شده فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقیم؛ در جهان امروز علم و دانش حرف اول را می زند و جزو عوامل اصلی قدرت و اقتدار است. پس ما باید به قله‌ها دست یابیم. باید این عقب ماندگی را جبران و از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. امروزه همه ما ناچاریم برای دست یابی به منابع مختلف علوم، به کتاب‌های نویسندگان دیگر کشورها و به زبان‌های خارجی مراجعه کنیم. کشور ما نیز باید از لحاظ علمی به سطحی برسد که جوینده دانش و طالب علم، مجبور باشد به سراغ منابع و کتاب‌های ما بیاید و حتی زبان ما را یاد بگیرد. این هدف، اصلاً یک آرزوی خام نیست و دست یافتنی است. چنانکه روزی، رسیدن به درجه علم و فناوری کنونی هم یک آرزوی خام به شمار می آمد اما به واقعیت پیوست.

پرچم مطالبه گری و آرمان خواهی دانشجو، همیشه بالاست.

دانشجو باید با نگاه نقادانه روی کاستی‌ها و کژی‌ها علامت سوال بگذارد. دغدغه داشتن، هشداردهی، طلبکارانه در مسائل و مشکلات نظام و نواقص وارد شدن برای یک دانشجو صددرصد قابل تحسین است. نمونه اش بچه‌های دانشجو در زمینه‌ی خصوصی‌سازی وارد کار شدند که در مسئله‌ی نیشکر هفت‌تپه و ماشین‌سازی تبریز، دانشجوها رفتند و یک مشکلی را واقعاً حل کردند؛ یعنی نه پول دارند، نه قدرت قانونی دارند اما در عین حال حضورشان میتواند یک کار بزرگ را، یک مشکل بزرگ را حل کند.

منتها مطالبه گری و انتقاد باید به دور از هرگونه پرخاش و همراه با پیشنهادهای خوب و قابل اجرا باشد تا اثرات جدی و ماندگار داشته باشد. اگر دانشجو پرچم عدالت خواهی و آرمان خواهی را روی زمین بگذارد، این پرچم به دست ناهلانی می افتد که درصدد مبارزه با اسلام هستند. بنابراین دانشجو تصمیم ساز و گفتمان ساز است. وقتی آرمانی را دنبال و تکرار می کند و به جد پای آن میایستد، یک گفتمان در جامعه ایجاد می کند و موجب تصمیم سازی می شود. وقتی چیزی به عنوان گفتمان درآمد، مرکز اصلی مدیریت کشور مجبور می شود که آن را دنبال و اجرایی کند.

خودسازی و دگر سازی، مسئولیت بزرگ دانشجو است.

در دوران جوانی و دانشجویی، هر کس در درجه ی اول باید مراقب دل خود و سپس مراقب دل مجموعه و مرتبطان به خود باشد. از ضعف‌ها و عقب ماندگی‌های ما این است که به موازات پیشرفت‌های علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه ی نفسی پیدا نکرده ایم. یک جوان دانشجو، از طریق معنویت و خلیقات نیکو می تواند مجموعه ی پیرامونی خود، کلاس، استاد و حتی کل دانشگاه را تحت تأثیر شخصیت معنوی و اخلاقی خویش قرار دهد.



دانشگاه تهرانی که در قم است...

#قم-گردی

|ریحانه سادات خرم|

+ کجا قبول شدی؟

- دانشگاه تهران 😊

+ || به سلامتی... کجاست؟

- قم

+ 😊

اساسا بچه‌های پردیسی دو دسته هستند:

الف) آنهایی که می‌دانستند اینجا قم است و آمدند،

ب) آنهایی که نمی‌دانستند اینجا قم است و آوردندشان! (از خدایشون هم باشه 😊)

همین اول کار بگویم! 📌

اگر برنامه‌ای رویایی برای دوری از خانواده (به جهت کسب تجارب و تحصیلات) و تفریحات داشتید،

جای خوبی آمدید. (فکر کردید چی می‌گم؟ پرچم قم بالاس)

اگر بخواهیم به تاریخچه‌ی شهر قم و مهاجرت خاندان اشعری به قم برگردیم، قمی اصیل کم

داریم، یا شاید هم اصلا نه داریم!

اما قانون این است که هرکس به اینجا می‌آید، قمی‌نیزه می‌شود. حتی شما دوست عزیز (ابرو

نداز بالا، ترم آخر وقت معدل گیریه!)

درست است که ما اینجا دیزنی‌لند و سنترال پارک نداریم (که تهران هم ندارد!) اما ستون‌های بلندی

داریم که از آثار دوران محمود اول محسوب می‌شوند و ثبت سازمان جهانی "به‌پایان‌نرسیده-تمام-

شده‌ها" شده‌اند! شما اگر لحظه‌ای از کنار رودخانه‌ی «قمی سی پی» رد شوید کاملاً به عرائض بنده

و عظمت این بنای تاریخی واقف خواهید شد!

ما مردمان مهربان، صبور، جوشنده و دلخوشی داریم، که با یک قابلمه لوبیا پلوی مامان‌پز - که

شم اقتصادی اجازه نداده گوشت به همه‌جایش برسد- و لنگه‌اش را در صدتا از همان کترینگ‌های

بالاشهری هم پیدا نمی‌کنید، لب «قمرود» و کنار آثار تاریخی عرض شده می‌نشینند و با اینکه

شیرازی نیستند بسیار مقید به انجام فرموده‌ی شیخ شیرازی هستند که: «برلب جوی بشین و گذر

عمربین!»

اگر حالش بود و زنده ماندیم در شماره‌های بعدی بیش‌تر از اسرار خفته و جذاب شهرمان برایتان

رونمایی می‌کنیم!

علی‌ای حال اگر در مدت اقامتتان بر اثر دوری از خانواده، دلتان گرفت و یک محفل شاد و صمیمی

خواستید که رفع دلتنگی نمایید و در آن با فرهنگ اصیل و لهجه‌ی دقیق و مردم شفیق ما بیش‌تر آشنا

شوید، میتوانید ماهی یکبار به حلقه‌ی قمپز بیایید. (با کسب اجازه از جناب کرونا)

در این مدت هم میتوانید به ایستگاه‌گرام و کانال تلگرام قمپز سر بزنید و ادخال سرور و کسب دانش

را از خودتان دریغ ننمائید.



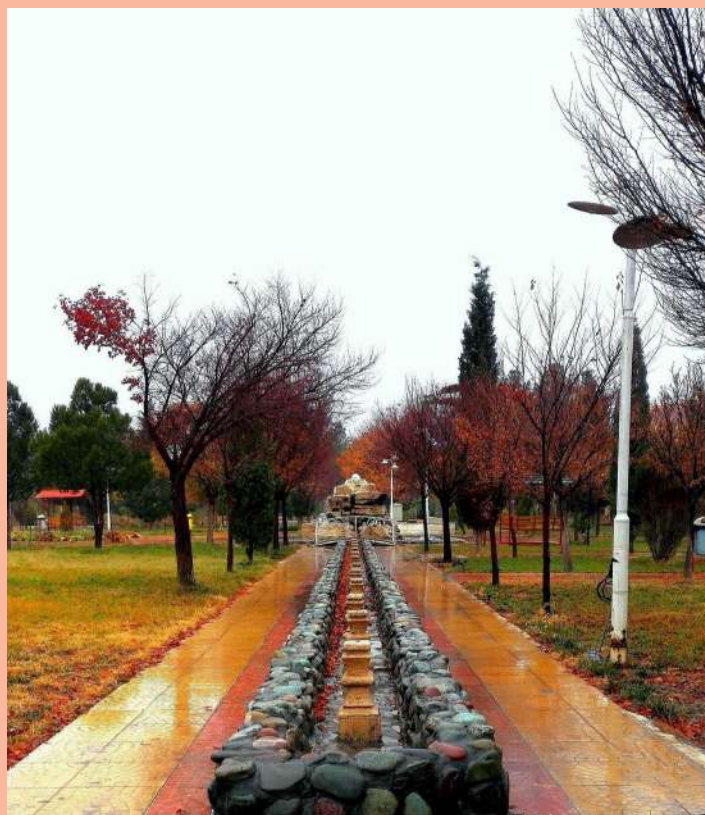
qompozinsta



@qompoz



دانشگاه من



چهار فصل پردیس

[همه ی فصل ها به کنار، پاییز پردیس چیز دیگریست...]

نقشه گنج

زهرا قاسمی

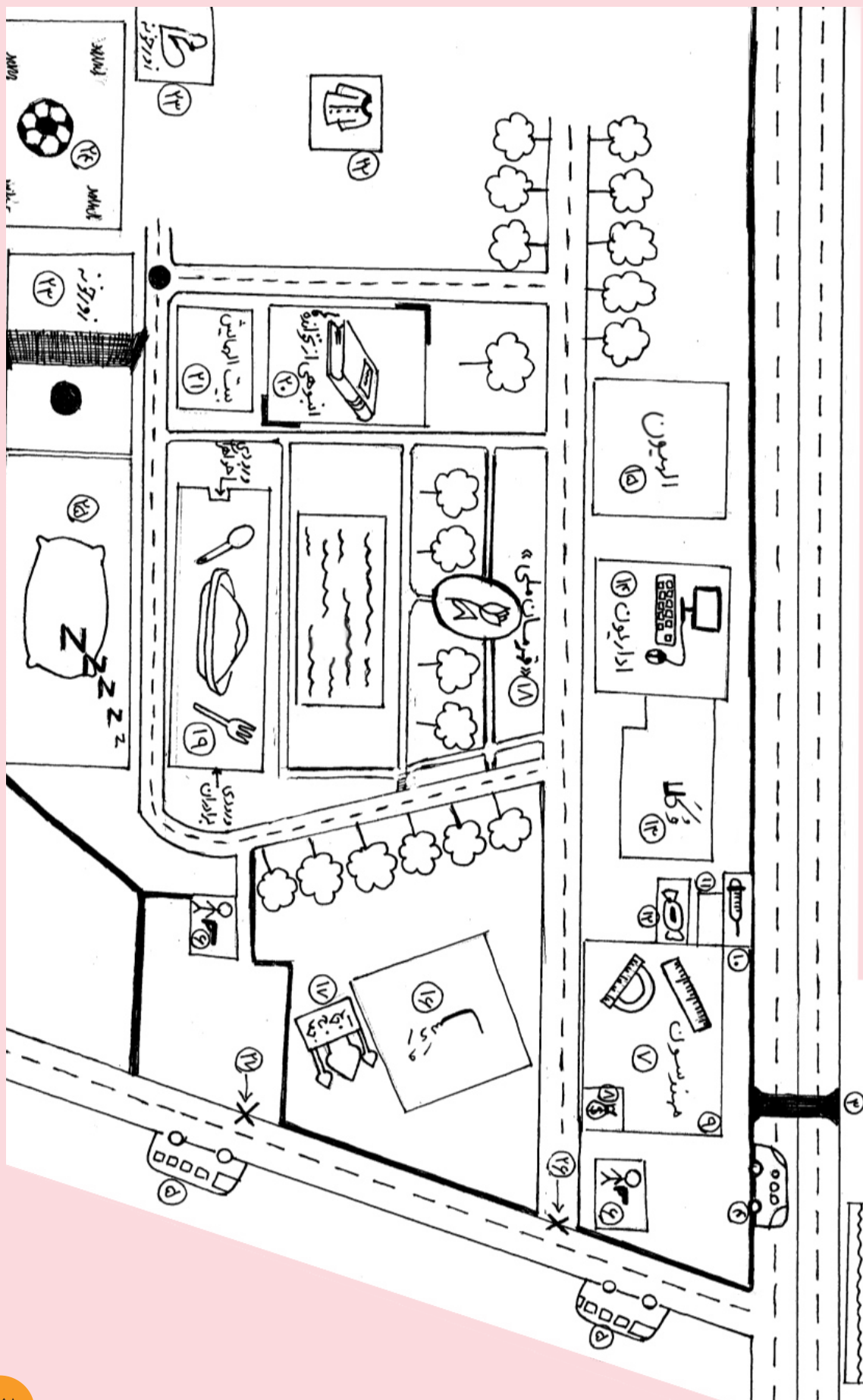
طریقه‌ی استفاده از نقشه:

اگر همراه آموزش مجازی گذرتان به دانشگاه خورد نقشه را با خودتان بیاورید تا اشتباهات از وسط خوابگاه خاوران سر دریاورید. خیلی راحت نقشه را روی زمین گذاشته و رویش بایستید جهت مقصود را تشخیص داده و از سال بالایی ها ادرس بپرسید.

- ۱۹- سلف
- ۲۰- کتابخانه + سالن مطالعه + سایت + انتشارات + یو انو مارتیک
- ۲۱- تالار امام خمینی و کی نیا
- ۲۲- خشک شویی
- ۲۳- باشگاه
- ۲۴- زمین چمن
- ۲۵- خوابگاه دختران
- ۲۶- سردر اصلی دانشگاه
- ۲۷- درب برقی

- ۱۰- مرکز مشاوره و بهداشت
- ۱۱- بسیج دانشجویی
- ۱۲- فروشگاه
- ۱۳- دانشکده حقوق
- ۱۴- ساختمان مرکزی و اداره آموزشی
- ۱۵- دانشکده الهیات
- ۱۶- دانشکده مدیریت و حسابداری
- ۱۷- مسجد و حسینیه
- ۱۸- شهید گمنام

- ۱- خوابگاه پسران
- ۲- استخر
- ۳- پل هوایی
- ۴- خط اتوبوس شهری
- ۵- محل توقف سرویس های دانشگاه
- ۶- نگهبانی
- ۷- دانشکده مهندسی
- ۸- بانک و عابر پیاده
- ۹- تالار فرهنگی





استاد میفرمایند |

مصاحبه اختصاصی با استاد و رئیس دانشکده الهیات

مصاحبه گر: زهرا علیاری

در دیدار صمیمانه ای به خدمت جناب دکتر حجت الاسلام و المسلمین محمدی، استاد و رئیس دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی رسیدیم و با هدف آشنایی بیشتر نودانشجویان، گفت و گو و پرسش و پاسخ هایی بین ما و ایشان صورت گرفت که مطالعه آن برای دانشجویان عزیز تازه ورود خالی از لطف نیست.

فراخوان، چهار اسم تایید شد که آقای دکتر شفیعی کدکنی، چهره شاخص ادبیات ایران این چهار اسم را تایید کردند. این چهار اسم بدین شرح است: دانشکوی، دانشمان، دانش کدان، دانشکدگان. در جلسه ای که در شورای دانشگاه برگزار شد، واژه دانشکدگان انتخاب شد که به نظرم نسبت به بقیه بهتر است و البته یک اسم جدید و نو است که جایی هم استفاده نشده است. از نظر قدمت، دانشکدگان فارابی، تنها دانشگاه قبل از انقلاب استان قم و قدیمی ترین دانشگاه استان قم از سال ۱۳۴۹ تا به الان است که حدود ۵۰ سال میگذرد. از نظر اعتبار، معتبر ترین دانشگاه استان قم و تنها دانشگاه تیپ الف استان قم مجموعه دانشکدگان فارابی است و این به خاطر وابسته بودن به دانشگاه تهران است و می دانید که دانشگاه تهران هم یک ابر دانشگاه در کل کشور است. به علاوه، ما در خود دانشگاه تهران هم یک مجموعه خوب و اسم و رسم دار به شمار می آییم.

استاد، درمورد دانشگاه پردیس فارابی و سطح علمی آن در مقایسه با بقیه دانشگاه ها توضیحاتی بفرمایید.

اول اینکه پرونده واژه پردیس که برای همیشه بسته شد. شبهه ای که در ذهن خیلی از خانواده ها، مسئولین و... وجود دارد، این است که تا بگوییم پردیس، می گویند یعنی همان پردیس هایی که پولی هستند؟!

پولی در ایران مساوی با مجموعه هایی است که امتیازات دانشگاه های معتبر را ندارد. به همین دلیل به شدت اعتراض می شد که این اسم تغییر کند.

فراخوانی در کل کشور داده شد که واژه های جایگزین، چه واژگانی هستند؟

البته واژه پردیس، یک واژه زیبا و قشنگی است که از لحاظ هجایی هم ریشه قرآنی دارد و هم ریشه فردوس است و هم ریشه خارجی دارد. اما متأسفانه چون همه دانشگاه های کشور، مجموعه های پولی شان را پردیس نام گذاری کردند؛ این مشکلات را برای ایجاد کرد. در این

توصیه های شما به نودانشجویان برای نحوه و چگونگی استفاده از چهار سال مقطع کارشناسی و بهره بردن از فضای دانشگاه چیست؟

بنده کار فرهنگی زیاد کرده ام، اولین باری که وارد پردیس شدم، مدیر فرهنگی شدم. یعنی چیزی حدود ۳۰ سال است که من در دانشگاه کار فرهنگی می کنم. الان هم کار فرهنگی خیلی برایم مهم و اولویت دار است. من معتقدم دانشجو نباید نگاه تک بعدی به خودش داشته باشد. اینکه بگوید فقط می خواهم درس بخوانم. دانشجو قبل از هر چیزی باید مسئولیت پذیر باشد؛ همانطور که دانشگاه تهران سه مولفه برای خودش دارد. میدانید این سه مولفه چه چیزهایی هستند؟

۱- کارآفرینی ۲- بین المللی شدن ۳- مسئولیت پذیری دانشجو اولین وظیفه اش مسئولیت پذیری است. مهمترین وجه تفاوت ما با دیگر موجودات هم در همین مسئله است که نسبت به جهان پیرامون، نسبت به خدای خود، نسبت به هموعان، نسبت به محیط زیست و... مسئولیت پذیری داریم. وقتی مسئولیت پذیری باشد دانشجو دیگر نمی گوید: نه، من فقط می خواهم درس بخوانم. می گویند دیگران کاشتند و خوردیم اما ما نمیخواهیم بکاریم که دیگران بخورند. این می شود مسئولیت گریزی...

مهم ترین آسیب امروز جامعه ایران ما، مسئولیت گریزی است. از زن خانه دار و راننده تاکسی بگیر تا استاد و مسئول. آسیبی که در جامعه ما وجود دارد این است که هیچ کس نسبت به آن کاری که به او سپرده شده، مسئولیت نمی پذیرد؛ یعنی نمی خواهد وظیفه اش را درست انجام دهد.

اول کرونا خیلی بد بود. بعضی از دانشجویها سر سفره بودند، سفره را نبسته، در رفتند. مثلاً نگاه کنید؛ در همین شهر قم کسی که ماسک را احتکار کرده بود، راضی بود که هم نوع خودش از بین برود ولی هزار تومان بیشتر گیرش بیاید. خوب این می شود بی مسئولیتی. من عرض همین است...

مسئولیت پذیری نمودهایی دارد. یکی از نمودهایش این است که تجربه را افزایش می دهد. واقعا بچه هایی که در دوران دانشجویی شان علاوه بر درس یک فعالیت اجتماعی هم داشتند، تجربه قطعی من که ۳۰ سال کار فرهنگی کرده ام میگوید که این افراد در زندگی شخصی، زندگی اجتماعی، پیدا کردن شغل و حتی از لحاظ علمی هم موفق ترند. چرا که برنامه ریزی دقیق تری دارند که هر لحظه چه کاری باید انجام دهند. اما کسی که آهسته رفته، آهسته آمده که گربه شاخش نزند، فوق فوقش این است که معدل ۲۰ گرفته ولی نه روابط عمومی دارد نه ارتباطاتی دارد نه کسی را می شناسد. به همین خاطر توصیه می کنیم دانشجویها حتما فعالیت های اجتماعی در دانشگاه داشته باشند از جمله در انجمنها و کانون های مختلف، بسیج و ... خلاصه کلام اینکه دانشگاه یه ماکت کوچک از کل جامعه است. اگر همین جا توانستی خوب شنا کنی، در سطوح بالاتر هم موفق خواهی بود.

به نظر شما نحوه برنامه ریزی، مطالعه و درس خواندن دانشجویها در طول دوران تحصیل چگونه باید باشد؟

من برای دانشجویهای ایرانی خارج از کشور کتابی نوشتم به نام "اخلاق حرفه ای دانشگاهیان". در این کتاب وظایف دانشگاه تقسیم شده است: ۱- آموزش ۲- پژوهش ۳- فرهنگ

دانشجوهای که وارد دانشگاه میشوند، دو کار اصلی شان همان آموزش و پژوهش است. ای کاش از وقتی که دانشجویهای ما وارد دوره

لیسانس می شوند، با آنها در حوزه پژوهش هم کار شود. در دانشگاه، دانشجو باید کار پژوهشی بکند؛ حالا نه پژوهش های سنگین اما صرف حفظ کردن یکی از آسیب های جامعه ماست. مثلاً فنلاند چرا در دنیا از نظر آموزش اول است؟! ما یک سفر به فنلاند رفتیم. آنجا در مهد کودکی که بازدید کردیم دیدیم کودکان دارند خاک بازی می کنند؛ نه اینکه فقط شعر و ریاضی یاد بگیرند. دلیل موفقیت این کشور هم این است که کودکان به طبیعت خود برگردانده میشوند. الان معلمان تهران را یک هفته به فنلاند میفرستند که روش آنها را آموزش ببینند. یکی از ضعف های جدی جامعه ما این است که فقط بر حفظ کردن تکیه داریم. هرکسی نمره ۲۰ گرفت، بهتر است! هر بچه ای که ریاضی بلد نباشد بچه بدی است و شب و روز باید غم و غصه و رنج داشته باشد! ما باید نوع نگاه مان را به حفظیات کنار بگذاریم. بچه های ما در کنار آموزش، باید تحلیل، درک و فهم و نوشتن را نیز یاد بگیرند. در فضای علمی سه گروه داریم: ۱- متفکر و اندیشمند ۲- پژوهشگر ۳- آموزگار. اما ترکیب این سه مورد است که ارزشمند است. استاد مطهری مهم ترین هنرش برای شاگردهایش این بود که متفکر بود. لذا اینکه در روایات گفته شده یک ساعت فکر کردن از ۷۰ سال عبادت بهتر است یا در شب قدر بهترین کار، فکر کردن است، به این خاطر است. پس یاد بگیریم صرفاً مطالعه نکنیم بلکه در کنار مطالعه تأمل و تفکر نیز داشته باشیم.

نحوه تعامل دانشجویها با اساتید و مسئولین دانشگاه چه گونه باید باشد؟ نظر دانشجویها در دانشگاه چقدر مهم است؟ یعنی اگر اعتراض یا نظری داشته باشند، دانشگاه چقدر حمایت می کند؟

من وقتی معاون دانشجویی بودم، روشی داشتم و آن هم اینکه سالی یک بار یا حتی ترمی یک بار تربیون آزاد می گذاشتم و می گفتم بچه ها هر چی دل تنگتان می خواهد، بگویید. گاهی اوقات تندی هم می کردند اما مهم نبود. مثلاً یک بار در همین محوطه دانشگاه تربیون آزاد برای حجاب گذاشتیم. نکته این است که دانشجو نباید محافظه کار باشد؛ باید ورود کند و از دانشگاه بخواهد. دقیقاً مثل کلاس درس است. اگر دانشجو در بحث شرکت کرد و سوال پرسید، استاد هم دنبال تحقیق و مطالعه می رود. سعی کنید مسئولین دانشگاه را به بحث و چالش بکشانید البته با احترام...

خط قرمز خود بنده در دانشگاه، دانشجو و ارباب رجوع است. در دانشگاه ما هم غالباً رابطه با دانشجو و احترام به او خوب بوده است. جلسات و نشست ها بوده اما دانشجویها خودشان خیلی موثر هستند. در کل همه چیز بستگی به این دارد که خودتان فعال و مطالبه گر باشید نه محافظه کار.



Adobe connect

اریحانه سادات خرم |

استاد: صدای منو دارید؟

دانشجویان:

- بله استاد

- بله

- صدا هست

استاد: بله، داشتم می‌گفتم سوال این هست که کی جواب میدونه؟

دانشجویان:

- استاد صداتون قطع شد!

- دوستان کسی صدا داره؟

- صدا رفت

..

استاد: الان چی الان صدامو دارید؟

دانشجویان:

- ادبلا الان صدا می

- بله صداتون وصل

استاد: دوستان برای بار هزارم برای نوشتن حرف ی در ادوبی کانکت شیفت و ایکس رو بگیرید تا من در خوندن پیام هاتون دچار مشکل نشم. خب، کجا بودم آهان داشتم می‌گفتم سوالی که اینجا مطرح میشه این هست که...کسی نمی‌خواد جواب بده؟

دانشجویان:

- باز صدا قطع شد!

- شما هم صدا ندارید؟

- برای منم قطعه!

استاد: لااله الا الله..

...to be continued

حقیقتش این هست که همه‌ی ما، وقتی آن روز در اوائل اسفند ماه سال ۹۸ شنیدیم که دانشگاه‌ها تعطیل می‌شوند از دوستانمان خداحافظی کردیم و با خودمان گفتیم فوقش دوهفته طول می‌کشد، باورمان نمی‌شد که در این عصر، بیماری‌ای بیاید که زندگی جامعه‌ی انسانی را فلج کند! در افکارمان ما به خودکفایی رسیده بودیم که... حتی اکثرا از این استراحت دوهفته‌ای خوشحال بودند و برنامه داشتند آن را به عید بچسبانند.

اما،

اسفند گذشت،

عید گذشت،

ترم بعد هم گذشت،

و از آن دو هفته نزدیک به دوسال گذشت!

دیگر حتی کسی ایده‌ای هم برای بازگشت نداشت، اوضاع آنقدر عجیب، غیرواقعی، کنترل نشده و تلخ بود که کسی اسم بازگشایی را هم نمی‌آورد! تاریخ، فیلم همه گیری طاعون و آنفلوآنزا را از پشت مه غلیظ انکار به اکران گذاشته بود و این مه آنقدر شدید بود که خیلی ها را خفه کرد!

خیلی از اساتید تا اردیبهشت ماه سال ۹۹ هم منتظر بودند تا دانشگاه‌ها حضوری شوند! حق هم داشتند، این حجم از واقعه باور پذیر این نسل نبود اما بالاخره همه مجبورا به بستری مجازی روی آوردند تا حیات اجتماعی در معرض خطر را، بار دیگر به جریان بیندازند و اینجا بود که تفاوت دنیای حقیقی و مجازی همه را به مبارزه دعوت کرد! (حتی ناوایی سرخیابان را و مربیان باشگاه‌ها را و جلسات شعر را و سینماها را و کارمندان را و...)

بستر مجازی که تا آنروز این مقدار استقبال از سوی همه‌ی قشرها را به خود ندیده بود هنگ کرد! تعداد زیادی از نسل بزرگسال، که عمری را بدون این فضا گذرانده و چه بسا از آن گریزان





بودند ناچار به آشنایی، یادگیری و استفاده از آن شدند.

پهنای کم باند، کمبود امکانات نرم افزارها، مشکلات سخت افزاری،

دانشجویانی که از زیرپتو علم را پیگیری می کردند

و استادانی که در سکوت محض کلاس مجازی، صدای خرو

پف پاسخ ها کلافه پیشان می کرد،

مشکلات تهیهی کتاب یا جا به جایی جزوه که از راهروها به پیوی ها کشانیده شده بودند!

ارتباط گیری با برخی اساتید نا آشنا با این فضا،

سوالاتی که جواب هایشان کپی می شدند و اسم فرستنده هم پاک نمی شد!

قطع شدن صدای استاد وقتی صفحهی اینستاگرام باز می شد!

وصل شدن صدا و دوربین گوشی در هر ناکجا آبادی،

چیزهایی که نباید شنیده می شدند، تصاویری که نباید دیده می شدند، از گروهی به گروه

دیگر رفته و بساط خندیدن جامعهی ترسیده و غم زده، اما همیشه منتظر خندهی ایران را فراهم می کردند!

تمام شدن تایم کلاس و ادامه دار شدن حضور چندین نفر از دانشجویان فرهیخته در راستای استفاده از

سکوت کلاس و خوابیدن، که بعضا تایم فایل های ضبط شده را به دوبرابر می رسانید!

اساتیدی که ۸ صبح کلاس را با صدای ضبط شده برگزار می کردند،

یا اساتیدی که از نکی و منکر الگو گرفته و ۱۱۰ سوال ۱۰ خطی را در ۱۵ دقیقه امتحان می گرفتند و کارشان هم استاندارد بود اما با استانداردهای کجا؟ الله اعلم!

مهربانانی که به همان شیوهی قبل سخت نمی گرفتند، تایم امتحان را طولانی می دادند اما هرکسی هم ۲۰ نمی گرفت!

شاگرد اول هایی که افت معدل داشتند و شاگرد زرنگ هایی که از فرصت نهایت استفاده را کرده و جهش ۳، ۴ نمره ای کردند!!

گروه هایی که به قصد خیر و به منظور امداد رسانی به خلق دانشجو سر امتحان تشکیل شده و بعضا، سهوا اساتید هم عضو این حلقهی پر خیر و برکت می شدند،

دیر حاضر شدن دانشجویان سر کلاس با استناد به مشکلات ترافیکی اینترنت که با دلخوری اساتید روبه رو می شد و دیر آمدن اساتید به استناد همان مشکلات که باید درک می شد!

مسئولین که به حکم دورکاری دیگر نمیشد گیرشان آورد!

پاسخ گو نبودن عده ای، همیشه پاسخ گو بودن عده ای دیگر،

مشکلات اقتصادی که هر روز سطح استرس را افزایش داده و دایرهی اعصاب و اخلاق مداری را تنگ تر می نمود! ...و

علی ای حال همگی ما به اجبار این غذای چند طعم، که بد دهان ها را می سوزاند خوردیم و زنده ماندیم و امروز در خدمت شما هستیم.

کمی آفتاب سوخته از نور گوشی، دلتنگ از دوری دوستان و از دست دادن عزیزان، به شوق طعم خوب اسپرسوهای عصرگاهی،

املت هایی که هرچه بود یک لقمه اش به همه می رسید، جوجه کباب های آبدار سلف یا کباب کوبیده هایی که از خاصیت کشسانی بالایی برخوردار بودند، شلوغی سلف و حتی گربه هایی که زودتر از ما خبر غذای هر روز را داشتند و جلوی در صف می کشیدند،

آغوش های مهربان که جای شان را به  داده بودند، خواب رفتن زمستانه ی بین دو کلاس در فضای سرد نمازخانه و بیدار شدن با زنگ گوشی و بدنی فریز شده، آبخوری دانشگاه که به پیشرفته ترین تکنولوژی ها مجهز بود، همان چند گیگ بسته ی دانشجویی که عجیب به درد فیلم دانلود کردن می خورد، دانشکده ی مدیریت که سرعت اتصالات برای دانلود و به روز رسانی عالی بود! دانشکده ی حقوق که ترم اولی ها از در اصلی وارد و با تعجب بسیار از در ساختمان متصل آموزش عالی خارج می شدند!

بچه های مهندسی که آخر نفهمیدیم ماندنی هستند یا...؟! و ما الهیاتی ها که بی جا و مکان هر روز مهمان ساختمانی بودیم!

انجمن هایی که تازه به شور افتاده بودند، اکران فیلم و اجرای تئاتر در سالن بزرگ که مایه ی مباهاتمان بود و استخر دانشگاه که ما ورودی های ۹۸ تازه آن را کشف نموده بودیم... (شما اضافه کنید!)

امروز ما اینجا هستیم تا بگوییم

از همه ی شمایی که تا این جای فیلم را تماشا کردید از صمیم قلب متشکریم اما علی رغم تمام شایعات داستان ما هنوز تمام نشده، از پای گیرنده ها تکان نخورید که این تازه شروع ماجراست!



پندپهلو

هیئت تحریریه

✓ حجم دروس دانشگاهی بسیار سنگین تر از دوران دبیرستان است، پس کتاب‌های بیشتری برای خواندن و تلمبار شدن برای شب امتحان دارید!

و چه بسا خیلی از اساتید به چیزی به اسم منبع یا کتاب برای امتحان اعتقادی ندارند! سعی کنید سبک مطالعه و درس خواندن خودتان را زود پیدا کنید! تا راحت‌تر با نمره‌هایتان مواجه شوید!!

✓ اگر زبان‌تان ضعیف است سعی کنید حتماً با ورزش و نرمش‌های انگلیسی آن را تقویت کنید حتی شده روزانه زمانی کوتاهی را برای آن اختصاص دهید چون بسیار نیاز است البته این پند شاید برای بعضی رشته‌ها مانند دوستان رشته ادبیات عرب صدق نکند!)

✓ دانشی که از طریق دانشگاه بدست می‌آورید تنها مدرکی از دریای علم است. غرق شدن در دریای اصلی به عهده خود دانشجویست، همانطور که از اسمش هم پیداست: دانش جو. پس به دروس دانشگاهی اکتفا نکنین اگر به رشته‌تان علاقه دارید به دنبال یادگیری آن از منابع مختلفی مثل آموزش‌های اینترنتی باشید و شنا یادگیرید.

مهارت مهارت مهارت... چیزی که حرف آخر را می‌زند!

✓ سعی کنید حتماً با تاخیر در کلاس‌ها حاضر شوید و از این فرصت ایجاد شده لذت کافی را ببرید، چون تاخیر اول کلاس باعث می‌شود که بهتر متوجه موضوع و آغاز درس شوید. اما از لحاظ حضور و غیاب، ابتدا و انتهای کلاس‌ها همیشه مهم هستند. هیچ وقت آن‌ها را از دست ندهید. (اگر نمی‌خواهید حذف‌تان کنند یا حذفشان کنید زود بیاید!)

✓ از محضر اساتید دیگر هم بهره ببرید. کلاس برخی اساتید لحظه لحظه اش مفید و لذت بخش است. ممکن است شما با این اساتید درس نداشته باشید اما می‌توانید به عنوان مهمان در کلاس‌هایشان شرکت کرده و بهره ببرید.

- اطلاعاتی راجب لیست واحدها و دروسی که باید بگذرانید و واحد‌های گذرانده خودتان را می‌توانید در سایت بسیار پیشرفته و راحت الوصول گلستان با سرچ کردن کد گزارش ۱۲۷۲ مشاهده نمایید.

- در دوران تحصیل می‌توانید دو ترم مرخصی تحصیلی بگیرید. - از ترم دوم به بعد می‌توانید برای وام‌های مختصر دانشجویی اقدام کنید.

- اگر معدل ترم‌تان زیر ۱۲ بشود آن ترم رو مشروط شدید. ۳ ترم مشروط شدن عواقب بدی مثل اخراج را در پی دارد.

- در ترم تابستانه حداکثر می‌توانید ۶ واحد انتخاب کنید.

- اگر به هر دلیلی نتوانید دوران کارشناسی‌تان را طی ۸ ترم بگذرانید، به شما دانشجوی سنواتی می‌گویند که به سری شرایط خاص به شما تعلق می‌گیرد.

- کارت دانشجویی‌تان را همیشه به همراه داشته باشید. شماره دانشجویی‌تان را هم برای امور ضروری به خاطر بسپارید.

- ۱۴ واحد دروس معارف اسلامی باید بگذرانید که این واحد‌ها را می‌توانید از بین ۵ گرایش آن انتخاب و بگذرانید و لازم به گذراندن همه‌ی واحدها نیست.

- اگر به گذراندن و یادگیری رشته‌ای غیر از رشته خودتان به صورت همزمان یا دروسی از رشته‌های غیر رشته تحصیلی خودتان علاقه دارید احتمالاً می‌توانید از دو طریق اقدام کنید: دوره‌کهاد و طرح دو وجهی که هر کدام شرایط و ضوابطی دارند که می‌توانید برای آگاهی از آن به سایت دانشگاه تهران مراجعه یا از کارشناسان آموزشی رشته‌تان سوال کنید.



دردسرجات

انسترن شیخ زاده

آقا سلام! سلامی به گرمای صمیمیت بین همه ی ما ؛ حتی صمیمیت بین من و شمایی که دارید این متن رو میخوانید .

دسیسه : این را بگذارم کجای دلم؟ به به ! دسیسه کردن اساتید درست زمانی که دانشجویان افکار مخوفی دارند. اسمش را هم می گذارند گردهمایی اساتید ؛ مثلاً ما هم نمیدانیم همان دسیسه است . بله باید هم بخندید! پس از گردهمایی ، اشک تک تک شما را خریدارم.

روز خون، بوی خون : ای بابا ! مثل اینکه داد و فریاد در اینجا پایان ندارد. در سالن بین همه پیچ افتاده بود : بوی خون میاد . جمعیتی معترض بودند و می گفتند الان زود است و این چه مصیبتی بود ؟ روز امتحان بود و بوی خون ، بوی امتحان بود . همه نالان و معترض ، پشت سر سناتور زورگ حرف می زدند .

روز واقعه: آن همه بر و بیا و بحث و جدال و بخور و بخواب و ... سرانجام روز واقعه فرا رسید . دانشجویان ماتم زده ای را مشاهده می کنم که در حالتی مجسمه ی ابوالهول وار ، غرق در تماشای یکدیگرند . روز واقعه در راه بود ، روز دریافت کارنامه.

سلف دانشگاه: در محوطه ی دانشگاه مشغول قدم زدن بودم که صدایی توجه مرا به خود جلب کرد . اول آرام و سپس به سرعت گام برداشتم و وارد سالنی شدم. اوه اوه! چه جمعیتی! گویا در تظاهرات شرکت کرده بودند . تظاهرات علیه چه؟ خدا داند. _ ولم کنید ! ولم کنید ! به خداوندی خدا من نیز آدمم ؛ این ماهی هستش یا پوست؟ تو رو خدا همین به اصطلاح ماهی را وزن کنید ببینیم چند گرم میشه. می خواهم زنده بمانم . حیران بودم تا اینکه صدای خنده ی حضار سالن را ترکاند . خدایا این جا کجاست؟ درست حدس زدید! اینجا سلف است. محلی برای صرفاً سیر کردن شکم چندین گرسنه آن هم به هر قیمتی . راستی خبر دارید که کافور چقدر گرون شده؟! البته از حق نگذریم غذاهای سلف پردیس کیفیت خوبی دارد. راستی رزرو غذا را فراموش نکنید تا موقع نهارها به بقیه دوستان در حال خوردن خیره ننمایند.

سرویس دانشگاه: چرا همه جا شلوغ است ؟ آن از سلف و این هم از اینجا ! در افکارم غوطه ور بودم که ناگهان دوندگان آمدند و تو چه میدانی دنده کیست ؟ موجودیست از جنس خاک و جزوه که به دنبال سرویس دانشگاه میدود و باز هم تو چه میدانی که سرویس دانشگاه چیست؟ شاید ... اتوبوسی به سوی مرگ.

گمشده: آغاز شروعی دوباره ! همه فریاد می زدند گمشده است او را بیابید . یعنی چه کسی گم شده است؟ صدایی می گفت: داداش نگران نباش یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور . _ الان که وقت شوخی نیست ! همه جا را بگردید. یعنی چه کسی گم شده است؟ باز هم آری! فرد گمشده ، استاد راهنماست که همیشه اسمش هست و خودش نیست.



سیرنمی شوم ز تو
ای مه جان فزای من!

مولانا

شکلات!؟ تشکلات!؟

معرفی تعدادی از تشکل های دانشجویی

| هیئت تحریریه |

بسیج دانشجویی

بسیج دانشجویی در تاریخ ۲ آذر ۱۳۶۷ به فرمان امام راحل برای دفاع از اسلام و انقلاب و پاسداری و ترویج اسلام ناب محمدی (ص) و تلاش برای ایجاد حکومت بزرگ جهانی اسلام در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی تشکیل شد و از همان زمان تا به امروز افتخارات بسیاری را برجا گذاشت.

تشکل فعال بسیج دانشجویی با هدف رشد و تربیت دانشجویان در زمینه های مختلف فکری، فرهنگی، علمی، اجتماعی و جهادی و ایجاد روحیه کنشگری و مسئله محوری در جوانان فعالیت می کند. از جمله فعالیت های بسیج دانشجویی در زمینه ی فکری: برگزاری دوره های آموزشی مهارتی، نشست های مطالعاتی مفید و حلقه های معرفتی بصیرتی، در زمینه فرهنگی : برگزاری مراسمات، اردوهای سیاحتی زیارتی و برگزاری مسابقات و جشنواره های فرهنگی هنری و ... در زمینه جهادی: فعالیت های جهادی، کمک های مومنانه، اردوهای جهادی، در زمینه علمی: برگزاری دوره های علمی آموزشی مفید، بازدید های علمی، انتشار پژوهش ها و نشریات دانشجویی و... در زمینه اجتماعی: مطالبه گری با رویکرد مسئله محوری و کنشگری درست در جامعه، برگزاری کرسی های آزاد اندیشی و... می باشد.

برای عضویت به [اینجا](#) مراجعه کنید.

جامعه اسلامی

جامعه اسلامی دانشجویان، تشکلی دانشجویی است که در سال ۱۳۶۸ تأسیس شد. هدف این تشکل تعمیق فرهنگ و معارف اسلامی، رشد بینش سیاسی و انقلابی، تقویت روحیه مسئولیت پذیری، گسترش مشارکت مدنی دانشجویان در راستای پرورش نیروهای توانمند، بهره گیری بهینه از توانمندی اعضای اتحادیه در راستای میثاق مشترک و منافع ملی و برقراری ارتباط سازنده با تشکلهای دانشگاهی در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی، در چارچوب منافع نظام اسلامی می باشد.

از جمله فعالیت های جامعه اسلامی می توان به برگزاری نشست های بصیرتی، علمی، فرهنگی، سلسله جلسات تحلیل بیانات رهبری، برگزاری دوره های سیر مطالعاتی و... اشاره کرد.

انجمن های علمی

انجمن های علمی دانشجویی به عنوان بزرگترین تشکل دانشجویی با هدف مشارکت دانشجویان در فعالیت های علمی تخصصی برای هر کدام از رشته های تحصیلی دانشگاه ایجاد شده است. هدف اصلی فعالیت های انجمن های علمی ترویج علم و فناوری، کمک به تقویت ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت و آموزش مهارت های تخصصی برای آماده سازی دانشجویان برای ورود به فضای کسب و کار است. تجربه نشان داده است که فعالان انجمن های علمی در دوران تحصیلی از دانشجویان موفق و نخبه و پس از آن به عنوان افرادی موفق وارد بازار کار و جامعه شده اند. دلیل این امر هم کسب مهارت های کارگروهی، تبدیل ایده به عمل، مدیریت رویدادها و مهارت های ارتباطی در طول دوران فعالیت در انجمن های علمی است. از جمله فعالیت های انجمن های علمی میتوان به برگزاری کارگاه ها و کلاس های علمی تخصصی، برگزاری رویداد ها و گفتگو های علمی مانند جشنواره ها، سمینارها، نمایشگاه ها، تولید و نشر محتوای علمی مانند انتشار نشریات، برگزاری دوره هایی مرتبط با کسب و کار و همکاری با مراکز رشد و پارک های علم و فناوری اشاره کرد. هر دانشجو می تواند بسته به رشته تحصیلی خود در انجمن علمی رشته خود عضو شده و فعالیت کند.

کانون های فرهنگی

کانون های فرهنگی، هنری، دینی و اجتماعی با هدف زمینه سازی رشد خلاقیت های فرهنگی و اجتماعی دانشجویان، ساماندهی خواسته ها و تلاش های فرهنگی هنری و اجتماعی دانشجویان، حمایت و هدایت این گروه ها در راستای ارزش های متعالی اسلامی- ایرانی و تاکید بر هویت ملی، اسلامی و ارتقا سطح همکاری جمعی و تعمیق فرهنگ مشارکت در زمینه های دینی، ادبی، هنری و فعالیت های داوطلبانه در دانشگاه فعالیت میکنند. هر دانشجو میتواند بر حسب علاقه مندی حداکثر در سه کانون فرهنگی عضو شده و فعالیت کند. بعضی کانون های فرهنگی دایر در دانشگاه ما:

کانون همیاران سلامت روان دانشجویان

کانون تئاتر دانشجویان

کانون هنر های تجسمی دانشجویان

شما می توانید برای عضویت یا ارتباط با سه تشکل اخیر به سایت نگارستان به آدرس <https://cultural.ut.ac.ir> مراجعه نمایید.

دانشجویات

اوایل سال تحصیلی ترم اول بودیم.
برای یکی از دوستانم میخواستم موزیکی
بفرستم که ...

استاد x با من تماس گرفتن و خبر دادن که
اشتباه توی گروه درسی فرستادم --
به نظرتون موزیک چی بود؟
آی بری باخ بری باخ 😂

«نِسترن»

تاحالا گیر یه استاد سخت گیر افتادین؟! اونم چی کلاس
۸صبح!!! تازه جمعه صبح کلاس اضافه و تازه چی بگه: نظرتونو
درمورد کلاس تو گروه واتساپ بفرستین 😊

تا اینجاش خوبه ولی قصه از این جا شروع شد که یه دوست
عزیزی شروع کرد به تعریف کردن

عین متن دوست عزیز اینه: ممنونم استاد مهربان هیچ وقت
فکر نمی کردم اینقدر با ذوق و علاقه ساعت ۸صبح جمعه پاشم
برای این درس که حتی دبیرستانم ازش متنفر بودم!!!!

قیافه من اون لحظه 😊😂

منم اومدم بفرستم برای دوستم و نوشتم «مرزهای شیرین

عسلی و پاچه خوارو این دوست عزیز جابه جا کرد»

ولی فرستادم تو گروه اصلی 😊😂

«زهرا»

سلام من داغون ترین خاطره ام برمیکرده به موقعی که کلاسا حضوری
بود. برای درس ادبیات فارسی استادمون گفته بودن که نزدیک به
۱۰۰ شعر از حافظ رو مطالعه کنیم و بعد ایشون امتحان شفاهی
بگیرن. روز امتحان من بعد از اینکه رفتم و امتحانمو دادم از کلاس
اومدم بیرون، امتحانمون هم توی یکی از کلاس های دانشکده مهندسی
بود، خلاصه بعد من داشتم میومدم که برم بیرون، درب وردی دانشکده
از این شیشه ای ها بود که بری جلو باز میشه، من از کنار میرفتم
دقیقا همون قسمتی که شیشه باز نمیشه، ولی حواسم بود برسم به در
برم وسط تا باز بشه در، جلوی در هم یکی از نظافتچی های دانشگاه
داشت شیشه رو تمیز میکرد، همینطور که میرفتم سمت در یکی از
بچه ها صدام زد، برگشتم جواب اونو دادم و بعد یادم رفت نزدیک درم
وباید برم وسط تا باز بشه، چشمتون روز بد نبینه با صورت رفتم توی
در -- 😂

اون نظافتچی خشکش زده بود بنده خدا، فکر کنم با خودش میگفته
چقدر تمیز کردم شیشه رو که اصلا ندیدش

من اونو دیدم بیشتر خجالت کشیدم، بدجورم

سرم درد گرفت و آبروم هعییی برباد رفت 😊

«زهرا»

یه نصیحت...
تو کلاس های مجازی موقع ارائه دوستانتون که
شیر اسکرین کردن حواستون باشه تو گروه های
مشترک یا پیویش پیام ندین که ممکنه نوتیفش
بیاد تو صفحه و همه ی کلاس با خبر بشن...
از طرف یه زخم خورده 😊😂

«زینب»

ازمن پیرس!

آغاز دوران دانشجوییست و سوالات و ابهامات فراوانش!
از سوالات درمورد دانشگاه و امکانات بخش
های مختلف و خوابگاه گرفته تا اخبار و نحوه
انتخاب واحد و ...

در این مسیر پر پیچ و خم شما تنها نیستید!
جمعی از دانشجویان دلسوز سال بالایی با
هدف کمک و راهنمایی شما دوستان جدید
کانالی را به راه انداخته اند تا راهنما و همراه
شما در این مسیر باشند.

آدرس کانال « ازمن پیرس »

در پیامرسان های تلگرام و ایتا:

@azmanbepors_utf_00



در این حرم ہزار ہزار آیہ ے عذاب
 ہم وزن بایک آیہ ے رحمت بایستد
 باید قنوت حاجت ے انتہا ے ما
 زیر رواق ہا ے کرامت بایستد
 شیعہ بہ شوق مرقد زہرا بہ قم رسید
 طاقت نہ داشت تا بہ قیامت بایستد
 آنکس کہ جائے فاطمہ در قم نشستہ است
 در روز حشر ہم بہ شفاعت بایستد
 تو خواہر امام غریبے و این غزل
 بابیت ہاشم در صف بیعت بایستد
 من واژہ واژہ عطر تو را پخش مے کنم
 حتے اگر نسیم ز حرکت بایستد
 این شعر مست تکیہ زدہ بر ضریح تو
 مستے کہ رویہ پاش بہ زحمت بایستد

رسم ہمسایگے

مہدی جہاندار

جائے کہ کوہ خضر بہ زحمت بایستد
 شاعر چگونہ پیش تو راحت بایستد
 نزدیک مے شوم بہ تو چیز ے نمائندہ است
 قلبم از اشتیاق زیارت بایستد
 بانو سلام کاش زمان با ہمین سلام
 در آستانہ در ساعت بایستد
 و گردش نگاہ تو در بین زائران
 رویہ من - این فتادہ بہ لکنت - بایستد
 تا فارغ از تمام جہان روح خستہ ام
 در محضر شامادوہ رکعت بایستد
 بانو اجازہ هست کہ بار گناہ من
 در کنج صحن این شب خلوت بایستد؟



نشریات دانشجویی از یک بعد، بستر مناسبی است برای نویسندگانی که علاقه دارند دغدغه‌ها و ایده‌های خود را برای جامعه دانشگاهی ابراز و سهمی در آگاهی بخشی داشته باشند و از بعد دیگر محفلی برای آموختن کار تشکیلاتی، نوشتن، گفت و گو و کسب تجربه‌های گرانبها است. در این راستا جمعی از دانشجویهای فعال و خوش ذوق و دغدغه مند اقدام به قلم زدن و انتشار نشریه فرساد کرده اند.

با سپاس از همراهی شما و مطالعه این قسمت از نشریه، باعث افتخار است که در مسیر این ماهنامه با شما همراه باشیم.

در صورت تمایل به همکاری در زمینه‌های نویسندگی، عکاسی، شعر، طنزپردازی، طراحی و صفحه آرایی و ارائه پیشنهادات و نظراتتون میتوانید به این آیدی و شماره در پیامرسان‌های ای‌تا و تلگرام و واتساپ پیام دهید:

@Ghodratii

.۹۹۱۹۰۵۹۴۷۰

